

گوش سیستانی در ترجمه قرآن قدس

قرآن مترجم و نفیسی را که آقای دکتر علی رواقی در آستان قدس رضوی یافته‌اند، پس از چاپ قرآن قدس نامیده‌اند. این قرآن که به خط کهن است از آنرو بسیار ارزنده است که برگردان دری کهن و سنجیده‌ای دارد، با ویژگیهای واژگانی و دستوری که آنرا از دیگر قرآنهای ترجمه شده کهن مشخص می‌کند.

آقای دکتر رواقی این مختصات لغوی و دستوری را، در ترجمه قرآن قدس، مربوط به لهجه حوزه فرهنگی‌ای میدانند که قرآن در آنجا ترجمه شده است و این حوزه را به صراحت سیستان میدانند و دلیل شان در این تشخیص یکسانی واژه‌ها و ترکیبات این ترجمه است با لغات و ترکیبات ویژه تاریخ سیستان و احیاء الملوک و فرهنگ مذهب الاسماء که نویسنده هرسه آنها بی‌شک سیستانی بوده‌اند. بنابراین تنها دلیل آقای رواقی در وابستگی این ترجمه به حوزه فرهنگی سیستان کهن استنادشان به متون نوشته شده در سیستان قدیم است.

من در این نوشته بر آنم که سند دیگری در تقویت حدس سیستانی بودن حوزه ترجمه قرآن قدس بیافزایم. با توجه به این اصل که الظن یخطی و یصیب. و اما دلیل من در احتمال سیستانی بودن ویژگیهای گویشی ترجمه قدس مقایسه این ترجمه با گوش زنده و موجود سیستانی است که با استناد به فرهنگ معین بازمانده زبان کهن سیستان (سگزی) است و بسیاری از واژه‌های ویژه آن از هزار سال پیش تاکنون به گواهی صیدنه و پس از آن تاریخ سیستان چندان تفاوتی نکرده است و در این زمینه منظور فقط بیان برابری‌ها و همانندی‌های این ترجمه با گوش سیستانی است. و این به آن معنا نیست که این همانندی‌ها فقط بین ترجمه قرآن قدس و گوش سیستانی است. نکته دیگر اینکه در این مقایسه برای رعایت اختصار اشاره‌ای به همانندی‌های دری و پهلوی هم با واژه‌های سیستانی نمی‌کنم. و اینک همانندی‌های ترجمه قرآن مورد بحث با گوش سیستانی.

-۱-

همانندی‌های واژه‌های بسیط

گوش سیستانی

ترجمه قرآن قدس

ایره = ērā = دیر

ایوارگه - غروب

ایه = āye = آیا (احتمالاً آیه در قرآن قدس به حکم

ای = آیا

رسم الخط «ای» نوشته شده است چون «آنچه» که در

کتب قدیم «آنچه» هم نوشته می‌شده است.

برنگ = bāreng = تپه

برنگ = تل

(معنای این واژه در سیستانی امروز گم شده است ولی

سایکس در صفحه ۳۹۵ ده هزار مایل در ایران ترجمه

سعادت نوری معنای آنرا به سیستانی قدیم تپه نوشته

است)

پنک = pēnak = پیشانی	پنک (تصحیف پنک) = ناصیه
پنک = pētok = موی جلوی سر	پنکها (تصحیف پنکها) = موهای پیشانی
چنگل = čongol = انگشت	چنگل = ظفر
خازه = xāza = چسبناک	خازه (ازگلی خازه) = چسبنده
(صفت است برای خمیر یا گل و حتی به انسان بی غیرت هم که پیش از حد انعطاف پذیر است خازه می‌گویند)	
خلوشک = xālušk = لجن	خلیش = لجن
خواستی = xāsti = اقرار	خواستو = اقرار
دجگ = dājg = گره	دجگ = عقد
داس = dās = تار نوک دانه در خوشه گندم و جو	دسه = رشته‌ای که در میان هسته خرماس
سپست = spest = یونجه	سپست = قضبا (زیرنویس = سبزی)
شپول = špul = سوتی که با دهان زنند (بدون هیچ ابزاری)	شپیلدن = مکاء (صفیرزدن)
شپولک = špullak = سوت	
شوشک کردن = šušk = حمله شیرجه وار روی حریف	شیشیدن = جهیدن - خیز کردن
کمه = kma = پیشوند برای ساختن فعل مستقبل، معادل مشقات خواستن در فارسی	کامستن و کامیدن = کاد (نزدیک بودن - خواستن)
مثلاً: کمه رفتنو kma raftano یعنی خواهیم رفت	
کچکال = kočkal = کندو کاو - کاوش	می‌کچیلید = می‌کاوید
کرگز = corgāz = درختی توتمند و بلند که مثل گز است ولی گز نیست. جزء اول یعنی «کره» در سیستانی هم معنای بزرگ می‌دهد هم معنای کوچک مثلاً «کرمل» kormall یعنی کلوخ بزرگ و «کرمیخ» kormēx یعنی میخ بزرگ و «کر دماغ» kordmāy یعنی انسان دماغ کوچک و «کروگوش» korgōš یعنی انسان یا حیوان گوش کوچک	گزر - ائل، شورگزر
(ابوریحان که در صیدنه گاه معادل سیستانی و زابستانی واژه‌ها را آورده است، معادل سیستانی یا زابستانی ائل را نداده است)	
گی گزو = gigāzow = وزغ	گزو (شاید تصحیف گزو) = وزغ
کشته = kašta = کشتزار	کشته = کشتزار
کوت = kutt = ناشنوا	کوت = ناشنوا
(در سیستان وقتی صدای سازی یا انسانی بگیرد و خفه درآید گویند صدایش کتر شده است یعنی «کره» را کمتر به معنای ناشنوا به کار می‌برند)	

کوزانگین (شاید مصحف گوژ) = نحل. زنبور عمل

گوج gōj = زنبور
 (در سیستانی مطلقاً زنبور را «گوج» میگویند و زنبور
 زرد را «گوج سورک gōje surak» و زنبور گاوی
 (زنبور بسزرگت سرخ رنگ) را «گوج زنبور
 gōjezanbur» میگویند و جز این مورد واژه زنبور
 کاربرد ندارد. یعنی فقط به صورت صفت بکار می‌رود
 آنهم در همین مورد که گفته شد.

کیل kill = کج
 (شاید ویل در ترکیب «کج و ویل» و «کوله» در ترکیب
 «کج و کوله» پارسی با این کیل هم خانواده باشد.

گراغ gārāy = کلاغ
 گنده genda = بدبوی، بویناک

مری marri و

مریکه marrika = خیره خیره نگریستن
 منجک menjak = کمین گاه کوچکی که در شکار با
 یکی دو بوته یا مقداری علوفه درست کنند
 موج muj muj = حرکت آرام آرام، مسّ و مسّ
 و موج موج کار یعنی مس مس کار
 نواسه nvāsa = نوه

کیل = کج

گراغ = کلاغ

گنده = بدبوی

برمرگیری = فانتظروا، چشم دارید

منجک = گهواره

موجنده = جنبنده

نواسگان = نوه‌ها

-۲-

همانندی واژه‌های بسیطی که در تلفظ اندکی با شکل غالب دری متفاوت‌اند، ولی در ترجمه
 قرآن قدس و گویش سیستانی یکسان.

گویش سیستانی

اشنیده āšnida = شنیدن
 (نون مصدرهای سیستانی فقط در حالت اضافه ظاهر
 می‌شود. مثلاً وقتی بخواهند بگویند «شنیدن حرف
 درست» میگویند «اشنیدن ارف درست»
 پمیده pēmidā (در حالت اضافه پمیدن) = پیمانیدن
 تروش trušš = ترش
 جک jakk = جوی
 (در سیستان «جو» کمتر می‌گویند و واژه غالب همین
 «جک» است)
 چنده čindā = چیدن (در حالت اضافه چیدن) = چیدن
 خاشه xāša = خاشاک

ترجمه قرآن قدس

اشنیدن = شنیدن
 پیمانیدن
 تروش = ترش
 جویک = جو، نهر
 چیدن = چیدن
 خاشه = خاشاک

دو = du	دو (با او معروف) = دو (عدد پیش از سه)
دویر = davēr	دویر = دیبر
(تلفظ عابیان و روستائی)	
موشت = mušt	موشت = مشت

-۳-

ترکیبات همانند در برگردان قرآن قدس و گویش امروزه سیستانی

سیستانی

اوبردی = owbardi = سیل، سیلاب
 تای رو = tāyru = نیمرخ
 چش دید = čāšdid = ریا
 در کرده = dār kardā (درحالت اضافه در کردن) = داخل کردن

(در سیستانی امروز برای خارج کردن نیز افزون بر «بیرون کردن» «درو کردن» هم می‌گویند منتها با حرف اضافه از و به صورت «در کردن از» و در برگردان قرآن قدس این ترکیب به معنای بیرون کردن هرگز بکار نرفته است)

دم بست = dāmbāst = زبان بسته، حیوان، بی چاره، بی‌گناه

روشناس = rušnās = با آبرو، سرشناس

گل کاری = gelkārī = بنایی

گمومند = gmōmend = گمان مند

کُره وه دشت = korra vā dešt = آبستن شد

ورکنده = var kenda = برکنده

واکشیده = vākašidā = باز کردن و گشاد گرفتن، مثل

باز و گشاد گرفتن دهان کیسه یا جوال. یا باز و گشاد

کردن دهان تا منتها درجه ممکن

قرآن قدس

او برد = طوفان، غرقاب

تای رو = رخساره

چشم دید = ریا

در کردن = داخل کردن

دهن بست = زبان بسته، حیوان

روشناس = با آبرو

گل کرد = بنا، ساختمان

گسامندی = گمان مندی، شک

ورداشت = آبستن شد

ورکنده = برکنده

واز کشیدیم = پهن باز کردیم

-۴-

هماندی صیغه‌های افعال

صرف بعضی از افعال برگردان قرآن قدس به شیوه‌ایست متفاوت با آنچه در پارسی دری است و صیغه‌های حاصل از این تصریف، در ساخت و معنی، همسانی و گاه نزدیکی دارد با ساخت و معنای آن صیغه‌ها در سیستانی متداول. اینک نمونه‌های آن.

قرآن قدس

سیستانی

ایشنی = شنوی	بیاشنی (به اشنی) = byāšni = بشنوی
یشن = بشنو	میاشنی (می اشنی) = myāšni = میشنوی
می اشند = می شنود	یشنک = byāšnak = بشنو
نیشنی = نمی شنوی	میاشنه = myāšna = میشنود
بشم = بنوش	نیشنی = nyāšni = نشنوی
بشمد = بیاشامد	پشم = pšām = بنوش
می شمید = می آشامید	(ب آغاز واژه برای سهولت تلفظ بدل به پ می شود چراکه واژه ابتدا به ساکن است)
شی = شوی	پشمه = pšama = بیاشامد
	مشمه می = mšāmi = می آشامید
	شی ځ = شوی، بشوی bešavi

-۵-

همانندی در تبدیل حروف

تبدیل حروف به یکدیگر در واژه‌های قرآن قدس اغلب در همان موارد و با همان قانونمندی ایست که هم اکنون هم در سیستانی موجود است. به این نمونه‌ها توجه فرمایید.

الف: تبدیل «ب» به «و»

سیستانی

قرآن قدس

ورخیزید = برخیزید	varxēz = ورخیز
وردار = بردار	vārdār = بردار
نگه‌وان = نگهبان	negāvō = نگهبان
زور = زَبَر	zvār = زَبَر
اور = ابر	owr = ابر
سوز = سبز	sowz = سبز
سوزی = سبزی	sowzi = سبزی

ب: تبدیل «ب» به «گ»

در بسیاری از موارد «ب» ی دری در سگزی بدل به «گ» میشده است. حاصل این قاعده هنوز در ساخت چند واژه سیستانی موجود است. مثلا در سیستانی به بومادران، گومادران و به زن بیوه، زن گیوه و به گزیده و به چین، گه چین (gēcin) و به بیختن و تمام مشتقات آن را گِیختن (گختن gextan) میگویند. این قاعده در قرآن قدس در حد وسیعی رایج است. چنانکه در آنجا بند را گد، برده را گورده، بیشتر را گویشتر، بهشت را گهشت، بتر را گتر، برابر را گراگر، بهانه را گهانه، بیمار را گیمار، خون بها را خون گها، بر (سینه) را گور و بیست را گِست می‌نویسد.

پ: تبدیل «ذ» به «د»

همچنانکه در واژه گذار پارسی ذال به دال برگشته است در سیستانی نیز گذار را گذار و گذر را گذر هم میگویند. قانون گرداندن ذال به دال در برگردان قرآن قدس گسترده تر از آن حدیست که امروزه در سیستانی و بویژه در پارسی دری رایج است. در آنجا مگذرید رامگذرید، بگذشت را بگذشت، بیدیرد را پیدیرد، بجز را بجد و پذیرفته را پذیرفته نوشته است و غیره با توجه به همین اصل تبدیل حروف به یکدیگر (ب) و (و) و (ز) و «ذ» به «د» شاید بتوان واژه «وردور» را که در این قرآن به معنای بلند آمده است صورت دیگر «برزبر» دانست.

ت: تبدیل «ر» به «ل»

در گویش سیستانی هم چونان برگردان قرآن قدس در مواردی «ر» بدل به «ل» می شود. مثلاً دیوار و سوراخ را که در قرآن قدس دیوال و سولاخ آمده است در سیستانی هم دوال و devál و سولاخ میگویند.

ث: تبدیل «ز» به «ج»

تا جایی که هم اینک حافظه ام یاری می کند تنها در یک واژه سیستانی هنوز تبدیل «ز» به «ج» نمونه دارد و آن واژه «مجک» majjok است که به معنای مزه و هم مزه است. مثلاً شیر مجک širmajjok یعنی مزه ای مشابه مزه شیر. یا شور مجک šormajjok یعنی مزه ای که اندکی به شوری نزدیک باشد. این قاعده، یعنی اصل تبدیل «ز» به «ج» احتمالاً در یک واژه بکار رفته در برگردان قرآن قدس هم به چشم می خورد و آن در واژه «مجیدن» است، آنجا که در ترجمه لامستم النساء (مائده ۷) می نویسد به مجیدید زنانرا (البته مجیدن به معنای لمس کردن در متون دری فراوان بکار رفته است. ظن من اینست که شاید مزیدن و مجیدن هم ریشه باشد)

ج: تبدیل «ل» به «د»

برگرداننده قرآن قدس در همه جای این ترجمه گسیل را گسید نوشته است. و من جز این موردی برای تبدیل لام به دال در این متن ندیدم. و اما این واژه در سیستانی امروز به هیچ شکل و صورتی بکار نمی رود ولی برای تبدیل لام به دال در سیستانی امروز یک مورد را می توان حدس زد و آن در واژه «کدن» kadan است که در سیستانی به معنای طوق و قلاده سگ است. مرحوم مردوخ در فرهنگ کردی خویش «کلن» را از کردی به همین معنا ضبط کرده است که اگر «کدن» سیستانی و «کلن» کردی از یک ریشه باشد، این مورد می تواند نمونه ای زنده برای تبدیل حرف لام به دال باشد و همانندی در تبدیل برای واژه «گسید» در برگردان قرآن قدس، و اگر (کل وردی) (kalvardi) سیستانی که به معنای کشاورزی و کشت و زرع است در ساخت سنخیتی با «کدیور» داشته باشد باز می تواند نمونه دیگری برای تبدیل لام و دال سگزی باشد به دال و لام دیگر زبان های ایرانی.

چ: تبدیل «ف» به «و»

مترجم در قرآن قدس افسوس را «اوسوس» و بیافزود را «بویزوده» آورده است. در سیستانی امروز، هم این دو مورد را «اوسوز» avsoz و «اوزود» avzud تلفظ می کنند.

ح: تبدیل «ن» به «م»

برای تبدیل نون و میم به یکدیگر در پارسی دری نمونه‌های فراوانی داریم، اما در مورد ویژه‌ای مترجم قرآن قدس پنهان را پنهام آورده است که در سیستانی امروز هم این واژه را «پنوم panom» می‌گوئیم

خ: تبدیل «ه» به «خ»

برگرداننده در همه جای قرآن قدس پرهیز را پرخیز آورده است و اگرچه در سیستانی امروز پرهیز را پرخیز نمی‌گویند و «پریز parez» تلفظ می‌کنند، اما قاعده تبدیل ه به خ در سیستانی هم چون دیگر زبانها و گویشهای ایرانی نمونه دارد از آن جمله هسته را که در ترجمه قرآن قدس خسته آمده است، در سیستانی امروز هم «خستک xastak» می‌گویند.

د: تبدیل «ه» به «الف»

این تبدیل در سیستانی امروز چنان فراگیر است که می‌توان گفت در زبان امروز مردم سیستان «ه» وجود ندارد، مگر در پارسی تلفظ کردن واژه‌ها. و این اصل را پروفیسور لازار هم، به استناد گفتگویی که در محضر ایشان داشتیم، یافته‌اند و بر آن باور استوارند.
در قرآن قدس یک واژه منطبق با این قاعده شکل گرفته است و آن واژه «انوزه» است به معنای هنوز که تلفظ سیستانی آن هنوز هم «انوزه» است.

ذ: تبدیل «ی» به «ن»

تبدیل «ی» به «ن» هم در اندکی از واژه‌های سیستانی هنوز خودنمایی می‌کند از جمله در سیستانی به «سوی» «سون» می‌گویند و به بازی‌ای که باید «گویک بازی» (مركب از گوی + اک) بگویند. «گنک بازی gonak-bāzi» می‌گویند. مترجم قرآن قدس هم «سوی» را «سون» نوشته است.

ز: تبدیل «و» و «ه» به یکدیگر

در ترجمه آیه ۱۰۲ از سوره آل عمران، در قرآن قدس، «دست هنگن گیرد» به معنای دست درزند آمده است. من پس از اندیشه فراوان دربارهٔ واژه هنگن، در این باور راسخ شدم که این هنگن باید همان «ونگ veng» امروزی سیستانی باشد که به معنای محکم و استوار اینک کاربرد دارد. از جمله گویند «پوخاونگ کوه» «powxūvengko» یعنی پایت را محکم کن و پای بفشر. اما برغم «پاونگ کردن» به معنای پافشاری در کاری، در سیستانی امروز «دست ونگ کردن» به معنای اعتصاب و چنگ زدن نداریم که درست معادل «دست هنگن گیرد» در ترجمه قرآن قدس قرار گیرد. بهرحال برای تأیید حدسم دربارهٔ اینکه «هنگ» قرآن قدس باید «ونگ» سیستانی باشد، در پی نمونه‌ای برای تبدیل «ه» به «و» بودم که در صفحات بعدی قرآن قدس به واژه چهارشت رسیدم که به معنای گوارش آمده بود و حدسم را قریب به یقین کرد و در پی کشف این قاعده تبدیل دریافتم که در برگردان قرآن قدس:

شهد	یعنی	شود
نهد	یعنی	نبود
گهد	یعنی	گوود
گهند	یعنی	گووند

گوهی یعنی گوهی
و
می گهم یعنی می گووم
و در اینجا به یاد شعر محمد بن مخلد سیستانی افتادم که به گفته نویسنده تاریخ سیستان در ستایش یعقوب لیث گفته است

معجز پیغمبر مکی توئی به کنش و به منش و به گوشت

و در قانونمندی تبدیل «و» به «ه» در قرآن قدس حتی «خواستی» را به صورت «خهستی» دیدم و به اندیشه رفتم که اگر در برابر همه «شهد» های ترجمه قرآن مذکور در زیر نویس «شود» نوشته می شد خود بخود این قاعده به چشم می خورد. همچنانکه اگر در برابر همه «گور» ها به جای سینه «بر» نوشته می شد، قاعده تبدیل «ب» به «گ» در ترجمه این قرآن راحت تر می نمود. یادآوری این نکته هم ضروریست که شاید «ه» در سیستانی کهن تلفظی داشته است بین تلفظ «ه» و همزه، یعنی مانند آنچه در سیستانی امروز معمول است.

-۶-

همانندی پسوندها

الف: تمامی اسم مصدرها که در پارسی دری اغلب مختوم به «ش» است در قرآن قدس بدون استثناء مختوم به «شت» است و همین حالت وجود دارد در سیستانی حاضر.

ب: پسوند «ک» از جمله پسوندهایست که در سیستانی بسیار فراوان تر از دری است و اکثر واژه هایی که در دری مختوم به «ه» اند در سیستانی به «ک» مختوم می شوند، مثلاً پاچه و گرده، در سیستانی «پوچک» «powčak» و «گردک» «gardak» می شود و در قرآن قدس آنچه در پارسی پاشنه تلفظ می شود بهمین روش «باشنک» ضبط شده است.

پ: از دیگر پسوندهایی که در سیستانی کنونی در ساختار واژه ها فراوان رخ می نماید پسوند «کاه» و «کایی» است (این پسوند به گواهی فرهنگ گویش دماوندی نوشته آقای علی تیموری فر در دماوندی هم وجود دارد) مثلاً «نشستکا» «nšastaka» یعنی در حالت نشسته و... این پسوند احتمالاً به شکلی کاملتر در ترکیب «تنهاکان» و به معنی تنها در قرآن قدس وجود دارد. در سیستانی امروز «تنهای»ی دری و «تنهاکان» قرآن قدس را «یکه کا» «yakkakā» می گویند.

ت: پسوند بسیار رایجی که در ترجمه قرآن قدس وجود دارد پسوند صفت فاعلی «آر» بدنبال واژه هایی است که آن واژه در پارسی دری با آن پسوند بکار نرفته است و شگفت اینکه این ساختهای ویژه صفت فاعلی بسیار هم در قرآن قدس فراوان است و گفتمی اینکه حتی یکی از این ساختها در سیستانی امروز هم موجود نیست.

-۷-

همانندی حروف

در ترجمه قرآن قدس «ت» به کرات و از جمله در برابر «ف» عربی بکار رفته است. مثلاً در ترجمه قَبْلَنْ نوشته است: «ترسند» این «ت» امروز هم در سیستانی به همان فراوانی بکار می رود که در قرآن قدس بکار رفته است مثلاً:

تِه بره	=	Tabra	بیا برویم
تِباره	=	Tabâre	باری. بیسم آیا
بره ته کی بیه به	=	bra Ta ke byaya	رفت تا کی بیاید.

دیگر اینکه از حروف خاصی که در سیستانی هم اینک رایج است حرف «کمه» می باشد که بصورت پیشوند برای ساختن زمان آینده افعال بکار می رود و معادل مشتقات «خواستن» است در ساخت افعال مستقبل پارسی دری. این «کمه» در قرآن قدس هم برای ساختن فعل مستقبل به کار می رود، اما بصورت فعل معین. یعنی در شکل کامل فعلی، گرفته شده از مصدر کامستن. مثلاً در آنجا آمده است: «نکامد که دیدور کند» یعنی روشن نخواهد کرد. حال اگر همین عبارت را با همین واژه «دیدور» به سیستانی امروزی بگوییم می گوئیم:

- ۸ -

هماندی در تلفظ

در سیستانی امروز بسیاری از کلمات ابتدا به ساکن تلفن می شود و در ترجمه قرآن قدس هم بعضی واژه ها به شیوه ای نگاشته شده است که احتمالاً دال بر ابتدا به ساکن بودن آنها در عهد نویسنده است. مثلاً «شناسی» را «اشناسی» و «شنخته» (شناخته) را «اشنخته» نوشته است. این دو واژه را امروز در سیستانی «شناسی šnâsi» و «شنخته šnâxta» تلفظ می کنیم.

دلیل من در این گمان که شناسی و اشنخته واژه هایی ابتدا به ساکن بوده اند اینست که هنوز هم وقتی سیستانی ها بخواهند واژه های ابتدا به ساکنشان را به پارسی تلفظ کنند به جای اینکه حرف ساکن آغاز واژه را متحرک کنند سکون آنرا حفظ کرده در عوض الف متحرکی پیش از آن در آغاز واژه می افزایند.

مورد دیگری که از رسم الخط قرآن قدس، در کشف تلفظ آن روز واژه های ترجمه این قرآن، می توان دریافت اینست که در آروز هم مثل سیستانی امروز «دو» را با واو معروف تلفظ می کرده اند چرا که در این ترجمه در کلمات مخموم به واو معروف بعد از واو پایان الفی اضافه می شود. مثلاً ترازو را «ترازو» می نویسند. همچنین در این قرآن نیافتد را به صورت «نیفتد» نوشته است که به احتمال ضعیف شاید تلفظ آن چون «نیفته nyafte» سیستانی امروز باشد.

شاید «ای» به معنای آیا هم که در این قرآن همیشه به همین صورت «ای» آمده است، چون سیستانی امروز «آی aya» تلفظ می شده است که با این رسم الخط نوشته شده است (مثل «آنچه» که در رسم الخط قدیم «آنچ» نوشته می شده است و پیش از این هم نوشته شد) و شاید در آنجا که «ماقبل منهم» را ترجمه کرده است «پذیرفته نشی از ایشان» بتوان «نشی» را در این عبارت nšeya خواند که به سیستانی امروز «نشود» معنا می دهد.

همچنین است عبارت «ورنهاده نشی» که به معنی پذیرفته نشود است. در این جا هم اگر «نشی» را nšeya بخوانیم که به حکم رسم الخط به صورت «نشی» نوشته شده است، نمونه دیگری می یابیم برای تلفظ واژه های ترجمه قرآن قدس و همسانی آن با تلفظ امروز سیستانی آن واژه ها، چرا که «نشی» به nšeya در سیستانی امروز یعنی «نشود».

سخن پایان اینکه آنچه در این نوشته آورده شد دست آورد یک نگاه گذرا بر موضوع است و همانندی های ترجمه قرآن قدس و گویش سیستانی محدود به آنچه عرضه شد نمی گردد. کشف این همانندی ها کار بیشتر و دقیق تری را می طلبد که حتماً در سایه آن دقایق بیشتر و مفیدتری پیدا خواهد شد.